

یکی دیگر از اقداماتی که تندروها انجام می دهند، تهدیدهاست. چندی پیش وزیر خارجه را تهدید کردند و حالا کار به تهدید رئیس جمهور رسیده و می گویند عدم کفایتش را مطرح خواهند کرد. برداشت تان از این تهدیدها چیست؟

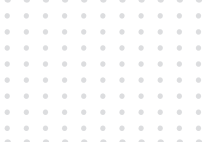
عباس موسایی: جریان راست افراطی، ماهیت و موجودیت خود را در فضای بحرانی و موقعیت غیرعادی تعریف می کند و گفتمان استثنانگرایانه اش را در بحران، تنش و منازعه، صورت بندی، سامان و سازمان می دهد. از این رو هر نوع گذر از وضعیت استثنایی به وضعیت عادی را برای خود، ویرانگر می داند و بر آن می شورد. از طرفی شاید بتوان گفت که یکی از دلایل اصلی پیروزی آقای دکتر پزشکیان در انتخابات سال گذشته، نظام تفاوت گفتمانی ایشان و تندروها در بحث سیاست خارجی بود، به گونه ای که ترس از رأی آوردن آقای جلیلی که میانه ای با مذاکره، تعامل و تنش زدایی نداشت، بخش موثری از مردم را به میدان آورد تا سیاست خارجی دچار انسداد نشود، تحریم ها رفع شود و مذاکره و مصالحه، جای تنش و منازعه را بگیرد. پزشکیان و حامیان ایشان، حل مسائل خارجی را مقدمه حل مسائل اقتصادی و معیشتی مردم می دانستند. بنابراین طبیعی است که ایشان بخواهند از مسیر دیپلماسی و مذاکره، موانع را رفع کنند. حملات سازمان یافته رسانه ای جریان بازنده در انتخابات و تهدید رئیس جمهور و وزیر امور خارجه به استیضاح و طرح عدم کفایت را باید معطوف به این موارد، ارزیابی و تحلیل کرد. اینها می خواهند در برابر



هر نوع امکان گشایش، مانع ایجاد کنند. هزینه عادی سازی در سیاست خارجی را بالا برده و منتخب مردم براساس شعارهای کاملاً متفاوت با منظومه گفتمانی خود را وادار به پیگیری از روش های استثنانگرایانه و انسدادی خود کنند. بدیهی است این رویکرد، سیاست بهیودخواهانه و روالمندساز را با مشکل مواجه می سازد. **جعفرزاده ایمن آبادی:** من فکر می کنم که اینها متاسفانه از برخی جاها شارژ می شوند. یک هسته تندرو وجود دارد که اگر جمع شان کنید، اندازه انگشتان یک دست هم نمی شوند. حتماً دستگاه های امنیتی کشور باید روی اینها کار کنند که چرا حرکت ها و حرف هایی که اینها می زنند در همان جهتی است که نتانیاهو می خواهد. چرا حرف های اینها، با حرف های نتانیاهو یکی است. درباره این تهدیدهایی هم که وزیر امور خارجه و یا رئیس جمهور را نشانه گرفته اند، چند موضوع وجود دارد. یکی این است که آن افرادی که ۳درصدی هستند نمی توانند درباره کل جمعیت ایران حرف بزنند. اینها اندازه خودشان را بدانند خیلی بهتر است. موضوع دوم این است که درست است استیضاح وزیر، سوال و یا طرح عدم کفایت رئیس جمهور براساس قانون حق نماینده مجلس است اما همانطور که گفتیم،



واعظ آشتیانی:
برخی یا خوش باور
هستند یا اینکه
خودشان را به
خوش باوری می زنند.
یا اینکه در یک
مسیری حرکت
می کنند که دشمنان
نظام و انقلاب در آن
مسیر حرکت می کنند



در کنار این مسائل، یکی از موضوعات دیگر این است که تندروهای اصول گرا توهین به اصلاح طلبانی که مدافع گفت وگو هستند را هم با ابعاد بیشتری شروع کرده اند. تحلیل تان از این موضوع چیست؟

ممانعت از گفت وگو و عادی سازی، صورت می گیرد. **جعفرزاده ایمن آبادی:** به نظر من اینها که چنین حرفهایی را می زنند یک پشتوانه امنیتی دارند. همین حسین شریعتمداری را نگاه کنید، هر وقت دلش خواسته هر چه که خواسته به اصلاح طلبان گفته است و انواع اتهامات و توهین ها را کرده اما شما هیچ پیدا نمی کنید که کسی او را خواسته باشد و از او بپرسد که چرا به فلان فرد مطرح و یا مجموعه اصلاح طلبان اتهام زده ای و یا توهین کرده ای و یا بیا اتهاماتی را که به آنها زده ای، ثابت کن. باید این موضوع را قبول کرد که اینها یک پشتوانه ای دارند و به نظر هم می رسد که قرار نیست بازخواست شوند. ظاهراً کل کشور در اختیار اینهاست و هر چه بیشتر تندروی می کنند، با اینکه عامل به وجود آمدن خیلی از مشکلات کشور هم خودشان هستند، اما با همه اینها، نزد برخی از نهادها روز به روز بیشتر از قبل محبوب تر می شوند. چطور است ما کوچکترین مساله ای را می گوئیم احضار می شویم اما اینها هر چه که می خواهند می گویند و کسی هم کاری با آنها ندارد. این موضوع فقط سوال ما نیست، همه ملت این سوال را دارند که چطور مثلاً آثمه جمعه و یک فردی مانند آقای...



ایمن آبادی:
چطور است ما
کوچکترین مساله ای
را می گوئیم احضار
می شویم اما اینها هر
چه که می خواهند
می گویند و کسی هم
کاری با آنها ندارد.
این موضوع فقط سوال
ما نیست، همه ملت
این سوال را دارند



امیررضا واعظ آشتیانی: موضوعی که باید به آن توجه کرد این است که در فضای سیاسی کشور ما، گفتمان هایی که وجود دارد باید مبتنی بر حق طلبی

تصمیم کلان نظام سیاسی برای این طیف از فعالان سیاسی چه جایگاهی دارد؟ چرا اینقدر فضا برای آنها فراهم است که هر چه می خواهند می گویند و برخوردی هم با آنها انجام نمی شود؟

عباس موسایی: بدیهی است که این جریان را نمی توان با نظام سیاسی کشور، «این همان» دانست. به عبارتی نمی توان مواضع راست افراطی را مواضع نظام قلمداد کرد. البته اینها به لطافت الحیل می کوشند خود را هسته سخت قدرت و حاکمیت نشان دهند و جریان متفاوت با خود را، مخالف نظام معرفی کنند. نظام حکمرانی از آنچه مانیفست یکدست ساز راست افراطی است، عبور کرده و در جاتی از عمل گرایي و واقع نگری را نیز در دستور کار قرار داده است. با این حال تندروها می کوشند از هر نوع گشایش در عرصه سیاست خارجی جلوگیری کنند. البته اگر احساس کنند که راهبردهای نظام حکمرانی با آنچه ایشان مدنظر دارند (و آن سیاست تقابلی است)، متفاوت است، شروع به تخطئه کلیت مذاکره و عادی سازی می کنند؛ حتی اگر از سوی بخش های دیگری از جریان اصول گرایی، یعنی اصول گرایان میانه رو طرح شده باشد. عدم برخورد با این جریان، شاید به خاطر اتهاماتی است که بر سیاست خارجی حکم فرما شده است. عدم پایبندی طرف مقابل به حقوق و قواعد بین المللی باعث شده است تا تندروهای



موسایی:

عادی سازی برای
راست افراطی داخلی
یا همان بخش افراطی
جریان اصول گرا،
هویت سوز است



امیررضا واعظ آشتیانی: آنهایی که نماینده مجلس هستند، در این مسیر از حق و حقوق نمایندگی شان استفاده می کنند. آنهایی هم که خارج از مجلس

هستند، به عبارتی فعال سیاسی محسوب می شوند، اگر حرفی بزنند که جنبه تهمت داشته باشد، مدعی العموم باید به آن حرف و اتهام ورود کند و اینطور نباید باشد که کسی بدون سند و مدرک حرفی را بزند و برخوردی هم با او نشود. همین چند وقت پیش شاهد بودیم که آقای کواکبیان یک مطلبی را مطرح کرد، مدعی العموم او را خواست و نتوانست مدارک ارائه بدهد. باید جلوی این مسائل گرفته شود و هر کسی که بدون سند و مدرک حرف زد، باید مواخذہ شود.

اینگونه نیست که یک عده بیایند، آمارهای غلط بدهند و یا تحلیل هایی را ارائه کنند که نشانه ای از ادب و نزاکت سیاسی در آن نباشد. این دسته از افراد باید پاسخگو باشند. اینکه کسی بخواهد آمار سازی کند، حرف بی مورد بزند و خدمات یک سازمان و یا دولتی را زیر سوال ببرد و جو روانی ایجاد کند، اصلاً موضوع پسندیده ای نیست و باید با برخورد هم روبه رو شود.

اینکه بخواهند گزینشی با موضوع برخورد کنند را منصفانه نمی دانم. امیدوارم ما روزی در گفتمان هایمان رعایت انصاف و ادب را داشته باشیم و در عین حال به دنبال حل مشکلات مردم باشیم.



چهره ها



مردم باید باور کنند که ایران خانه خودشان است

آیت الله عبدالله جوادی آملی در دیدار محمدجعفر قائم پناه، معاون اجرایی رئیس جمهور و سرپرست نهاد ریاست جمهوری با اشاره به عظمت تاریخی و فرهنگی ایران اسلامی، تأکید کرد: «اداره کشور تنها وظیفه دولت نیست، ایران متعلق به همه مردم است و دولت به تنهایی نمی تواند این کشور بزرگ را اداره کند، اگر ملت احساس کنند کشور، کشور خودشان است، اگر مانند خانه خودشان بدانند، نه بی راهه می روند و نه راه کسی را می بندند، آن وقت نه اختلاس خواهیم داشت و نه بی عدالتی؛ مسئله جدی امروز این است که این باور باید به صورت عملی در جامعه تقویت شود. مردم باید باور کنند که ایران خانه خودشان است. اگر این احساس در جامعه تقویت شود، کشور هرگز به سمت بحران نمی رود. ملت باید در همه عرصه ها پای کار باشند و احساس کنند امانت دار کشورند.»



احضار اعضای جبهه اصلاحات به دادسرای فرهنگ و رسانه

پنج عضو از اعضای هیئت رئیسه جبهه اصلاحات ایران به دادسرای فرهنگ و رسانه احضار شدند. آذرمنصوری، رئیس جبهه اصلاحات در یادداشتی نوشت: «در شرایطی که کشور در آستانه بحران های متراکم داخلی و تنش های شدید منطقه ای قرار دارد، احضار پنج عضو هیئت رئیسه جبهه اصلاحات ایران با اتهاماتی حیرت آور، نه فقط نگران کننده، بلکه به روشنی نشانه ای از روندی خطرناک است: تضعیف عامدانه ی ظرفیت های عقلانی، قانونی و میانه رو در سپهر سیاست ایران.» و در پایان نوشت: «اصلاح طلبی جرم نیست؛ بلکه فرصتی برای بازسازی است. اگر امروز به این فرصت پشت کنیم، فردا شاید دیگر امکانی برای گفت وگو باقی نمانده باشد. ما ایستاده ایم، نه برای تقابل، که برای اصلاح. نه به نیابت از گروهی خاص، که به نمایندگی از کسانی که هنوز امیدوارند عقلانیت زنده است.» آذرمنصوری، محسن آرمین، جواد امام، بدرالسادات مفیدی و ابراهیم اصغرزاده چهره هایی هستند که در روزهای اخیر احضار شده اند.



مهمترین پاشنه آشیل این است که «دیر» تصمیم گیری می کنیم

حمیدرضا جلایی پور، جامعه شناس در گفت وگو با ایرنا درباره رویکردی که سیاستمداران و دولتمردان برای حفظ دستاوردهای دو جنگ تحمیلی داشته اند، گفت: «پاسخ به این سؤال تفصیلی است؛ من فقط به یک عامل مهم اشاره می کنم. مهمترین توصیه این است که دستگاه حکمرانی ما به «اجماع سازی کارشناسانه در امور اساسی کشور» بیشتر بها بدهد. اگر این اجماع کارشناسی جدی تلقی شده بود چه بسا ما جنگ هشت ساله را در اوج پیروزی و پس از فتح خرمشهر می توانستیم تمام کنیم. چه بسا اگر اجماع کارشناسی در سیاست خارجی را در زمان جو بایدن جدی گرفته بودیم، کار کشور در خردادماه به وقوع جنگ نمی کشید.» او در پاسخ به این سوال که «پاشنه آشیل جمهوری اسلامی در مقابله با دشمنانش چیست؟» گفت: «مهمترین پاشنه آشیل این است که درباره مهمترین مسائل کشور «دیر» تصمیم گیری می کنیم، حتی می توان گفت باتشکیل ده ها شوراهای غیر لازم نظام تصمیم گیری کشور اولاً تکه تکه شده، ثانیاً در امور خطیر کسی مسئولیت نمی پذیرد. شما دیدید سه ماه از جنگ گذشته ولی هنوز روشن نشده که چگونه دشمن توانسته بود در ایران ستون پنجم درست کند؟ ما کشوری بودیم که رنگی جیش العدل در جنوب شرق کشور را روی هوا دستگیر می کردیم.»